

## پیشه



یزد

سمانه ملازینلی

عکس‌ها: بهار کر و شن بخش

که امروزی‌ها به آن بردی می‌گویند. نخ‌ها به گرت وصل است و گرت به پاییزک پایین دستگاه. صفحه پایین اسمش پوشال است. بند پوشال اگر خراب شد باید میزانش کنیم. دستگاه ۱۷ پوشال، ۱۶ گرت و ۱۶ عدد پاییزک دارد.»

### • موم مال کردن

دفتین، برکار، برانداز، متیز، ماکو، میل ماکو، شان، پل ساز و... دیگر ابزارهای دستگاه احرامی بافی است که فاطمه دهقان بنادکی دانه دانه درباره‌اش توضیح می‌دهد. بعد از کار چاق کردن، نوبت به موم مال کردن کار می‌رسد. موم سفت شده عسل، مثل یک توپ گوشه طاقچه گذاشته شده، پیرزن آن را برمی‌دارد و موم را روی چوبی می‌مالد و بعد چوب موم مال شده را روی تون‌های سیاه و سفید می‌کشد، تون‌هایی که قبلاً در مرحله چاق کردن از هم باز شده بودند. او حین کار توضیح می‌دهد: تون‌ها را موم مال می‌کنم تا پُرهای کار گرفته شود، موم پُرزها را جمع می‌کند. پشت کار و جلو کار را باید موم مال کرد.

### • بافتن با ماکو

بالاخره نوبت به بافتن می‌رسد؛ احرامی بافی کار آسانی نیست و بافنده باید قبل از بافت، دستگاه را چک کند و تمام مراحل را موبه موانجام دهد. حالا دیگر فاطمه دهقان، چهارپایه چوبی را پشت دستگاه می‌گذارد و رویش می‌نشیند. این کار را اگر جوان‌تر بود با سرعت بیشتری انجام می‌داد اما حالا حرکاتش کند است و پای بی‌حسش را با دست جابه‌جا می‌کند. اول ماسوره را در ماکو جا می‌دهد و با دهانش پر مرغی را در سوراخ ریز ماکو می‌کند؛ خودش می‌خندد و می‌گوید: «پر مرغ خیلی مهم است. من اسمش را گذاشتم شوت کردن. باید با دهانم شوتش کنم در این سوراخ ریز، پر مرغ میل ماکو را نگه می‌دارد تا تکان نخورد. بافت کار با ماکو است و این نخ‌های سایه و سفیدی که از گرت به دستگاه آویزان هستند همان‌طور که قبلاً گفتم تون کار هستند.»

### • کاری که گره ندارد

بافتن شروع می‌شود. در احرامی بافی هم پاها درگیر است و هم دست‌ها. برعکس قالی بافی که فقط دست‌ها گره‌ها را بر دار قالی فرو می‌آورد. احرامی بافی کاری بدون گره است، پیرزن می‌گوید: «اگر نخ‌ها در حین کار پاره شود آن را گره نمی‌زنیم بلکه با کمی تار ابریشم و شیریه زرد آلو نخ پاره شده

» قدیم مدرسه نبود اما قرآن خوانی بود و بچه‌ها را می‌فرستادند قرآن خوانی تا کمی سواد یاد بگیرند. من را به قرآن خوانی هم نفرستادند به جای آن گذاشتنم پای این چرخ‌ها (می‌خندد) دنبال ماسوره بر کردن. از پنج یا شش سالگی آن قدر ماسوره برکردم که تعدادش را یادم نمی‌آید. چاره‌ای هم نبود چون قبل از اینکه بافتن با دستگاه را یاد بگیریم باید ماسوره بر کردن را یاد می‌گرفتیم. ۱۰ سالم بود که کار با دستگاه را یاد گرفتم. مادرم دوست داشت من قالی بافی را یاد بگیرم و می‌گفت درآمد قالی بافی از احرامی بافی بیشتر است. اما من صدای تق و توق دستگاه احرامی بافی را دوست داشتم و دلم می‌خواست این کار را بلد شوم.»

### • چله کشی

کار با چرخ ریسندگی تمام می‌شود؛ نخ‌ی که ماسوره شده حالا باید در ماکو جا برود و برای بافتن استفاده شود. فاطمه دهقان به کارخانه برمی‌گردد. دستگاه وارد می‌کند و به آخر دستگاه می‌رسد؛ جایی که پیرزن آن را چله پیچ می‌خواند و دور سیخ چله، تون‌های سیاه و سفید دستگاه وصل است. پایین چله‌ها به کیسه‌های خاک وصل شده، صاحب دستگاه درباره‌اش می‌گوید: کیسه‌های شن را پایین تون کار وصل می‌کنند که وزنه کار شود و آن را محکم نگه دارد. زمانی که کار بافته می‌شود چله‌ها با کیسه‌های شن بالا می‌آید و هر بار که بالا آمد باید بیاوریم پایین، به این کار لنگر پایین کردن می‌گویند. بعد روی سیخ را دوباره چله می‌پیچانیم. قبل‌ها که بیشتر می‌بافتم روزی دوبار باید لنگر را پایین می‌آوردیم.

### • کار چاق کردن

پیرزن به سراغ تون‌ها می‌رود، تون‌هایی که از چله که انتهای دستگاه است روانه شده‌اند به سمت ابتدای دستگاه و موقع بافتن پایین و بالا می‌روند و مثل موج تکان می‌خورند. این زن با تجربه با انگشت شست و اشاره انگار که بخواهد به تون‌ها جان بدهد آن‌هایی که به هم چسبیده است را از هم جدا می‌کند. در حینی که این کار را انجام می‌دهد می‌گوید: پرت کار را می‌گیرم که تون‌ها به هم نچسبیده باشد و موقع بافتن مشکلی ایجاد نشود. کار چاق کردن اصطلاحی است که برایش به کار می‌بریم.

دور دستگاه راه می‌رود و با اشتیاق توضیح می‌دهد؛ انگار نه انگار که پایش بی‌حس است و گاهی با دستش پایش را تکان می‌دهد و به حرکت در می‌آورد. به چوب‌ها و وسایل دستگاه اشاره می‌کند و اسم‌هایش را می‌گوید: «این گُرت است

